نگاه

لزوم ساماندهی موسسات غیرمجاز بانکی

رضوان رضایی

● طی دوسال اخیر فعالیت موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز که زیر نظر بانک مرکزی نیستند به یکی از مباحث روز حوزه پولی کشور تبدیل شده است. این موضوع هنوز یکی از بزرگ‌ترین معضلات سیستم بانکی کشور به‌شمار می‌رود. بانک مرکزی بارها مخاطرات وجود این موسسات را گوشزد کرده و از ساماندهی آنها خبر داده است. طی سال‌های اخیر برخی از این موسسات و صندوق‌ها با سوءاستفاده‌کردن از سرمایه و اعتماد مردم به بازار مسکن و ارز و طلا وارد شده و با انجام فعالیت‌های سوداگرانه، سبب اختلال در عملکرد این بازارها شده‌اند. تعدادی از این موسسات غیرمجاز در قالب تعاونی‌های اعتبار و صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای هستند که قبل از انقلاب شکل گرفته‌اند؛ این صندوق‌ها تا دهه‌های ۶۰ و ۷۰ نسبتا مفید عمل می‌کردند و در پاره‌ای امور برای ارایه تسهیلات خرد، به مردم کمک می‌رساندند، اما در دهه ۸۰ به انجام برخی فعالیت‌های سوداگرانه روی آوردند. آمار غیررسمی حاکی از فعالیت شش‌هزارصندوق قرض‌الحسنه بدون مجوز در سراسر کشور است. برخی دیگر، موسسات وابسته به نهادها و ارگان‌های خاص هستند که عملا آمار سپرده و تسهیلات آنها در آمار سیستم بانکی لحاظ نمی‌شود؛ موسسات مذکور بخشی از حجم پول را در اختیار دارند و به جهت تحت‌پوشش‌نبودن مقررات پولی و بانکی، از پرداخت سپرده قانونی سر بازمی‌زنند و عملا کارایی سیاست پولی را به‌شدت کاهش داده‌اند.

از طرف دیگر این موسسات به‌صورت آشکار یا پنهان به اعلام نرخ‌هایی بالاتر از نرخ‌های سود اعلام‌شده پرداخته‌اند. برخی از مردم به‌دلیل جذاب‌بودن این نرخ‌ها، پس‌اندازهای خود را به این موسسات انتقال داده‌اند و علاوه‌بر متضررشدن سیستم‌بانکی، مخاطرات پیش‌بینی‌نشده‌ای را متوجه سپرده‌گذاران کرده‌اند. در یک برآورد مقدماتی، این موسسات در حدود ۳۰درصد نقدینگی کل اقتصاد را در اختیار دارند که می‌تواند به‌علت شرایط نابرابر رقابتی با بانک‌ها، به دست آمده باشد. زیرا عملا تحت نظارت بانک مرکزی نبوده‌اند و از مقررات مربوط به نرخ سود سپرده و تسهیلات و مقررات احتیاطی که دیگر بانک‌ها ملزم به رعایت آن هستند، تبعیت نمی‌کنند. بانک مرکزی بارها در اطلاعیه‌های مختلف هشدار داده که مردم توجه داشته باشند این موسسات تحت نظارت بانک مرکزی نیستند و عواقب هرگونه سوءاستفاده به عهده خود ایشان است و این بانک از این پس مسوولیتی در قبال سپرده‌گذاری مردم در موسسات غیرمجاز ندارد. در اطلاعیه‌های اخیر بانک مرکزی برای چندمین‌بار هشدار داده شده است که مقامات پولی، ساماندهی موسسات مالی و اعتباری را با شدت پیگیری می‌کنند و در حال حاضر با همکاری مسوولان کشوری، مقامات امنیتی، دادستانی و قوه‌قضاییه هماهنگی بیشتری برای افزایش نظارت‌ها در حال انجام است. به‌نظر می‌رسد یکی از جهت‌گیری‌های مقامات پولی دولت یازدهم مواجهه با بازار غیرمتشکل پولی و برخورد با موسسات غیرمجاز است؛ چراکه این موسسات غیرمجاز از گذشته‌های دور فعال شده‌اند و در راستای مقابله با آنها بانک‌مرکزی تا به حال اقداماتی انجام داده که در برخی موارد موثر بوده اما در برخی موارد کار به پایان نرسیده است. البته باید اشاره داشت اگرچه سیاست به‌نظم‌درآوردن ساختار سیستم بانکی و قراردادن موسسات مالی غیرمجاز زیر چتر مقررات انتظامی و پولی بانک‌مرکزی طی دوسال اخیر مورد توجه مقامات پولی بوده اما اجرای این سیاست به همکاری تمامی سازمان‌های عمومی و خصوصی، نیروی انتظامی، قوه‌قضاییه و به‌خصوص مردم نیاز دارد.

گذر

پیشنهاد نفت ۷۰دلاری برای بودجه سال ۹۴

● **ایرنا:** مدیر امور بین‌الملل شرکت ملی نفت گفت: قیمت پیشنهادی ما برای قیمت نفت در بودجه سال ۱۳۹۴ نرخ ۷۰ تا ۷۵دلار برای هر بشکه است. سیدمحسن قمصری اظهار کرد: نرخ صددلار برای هر بشکه نفت در بودجه سال ۱۳۹۳ پیشنهاد ما نبوده است. وی با بیان اینکه بازار از تب کاهش قیمت نفت افتاده و به کف رسیده است، گفت: در ماه آینده شاهد بازگشت قیمت‌های پیشین نفت نخواهیم بود و کسی انتظار افزایش را ندارد.

شترهای وارداتی به زابل «کرونا» دارند

● **مهر:** معاون استاندار سیستان‌وبلوچستان و فرماندار ویژه شهرستان زابل از ابتلای شترهای وارداتی آلوده به ویروس کرونا در سیستان خبر داد. هوشنگ ناظری گفت: با توجه به مشاهده بیماری مِرس یا کرونا در بین شترهای وارداتی در قرنطینه‌های شهرستان زابل که به سندرم تنفسی در خاورمیانه معروف است، کشتار شتر در این منطقه بدون انجام آزمایش‌های لازم و نمونه‌برداری ممنوع است. در این راستا از سازمان دامپزشکی خواسته شده تا از تمام شترهای موجود در سطح منطقه نمونه‌گیری انجام شود.

بررسی ۴۰ سال برنامه‌ریزی ناموفق در ایران

نظر سیاستمداران «برنامه» می‌شود

وحید صابری: خسرو نورمحمدی از کارشناسان باسابقه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است. پنجشنبه گذشته او در سخنرانی خود در موسسه دین و اقتصاد تصویری از تاریخ ۵۰ساله نظام برنامه‌ریزی کشور ترسیم کرد. او در این سخنان از دوره برنامه سوم و چهارم توسعه که توسط متخصصین آمریکایی در چارچوب نظام برنامه‌ریزی هسته‌های خط‌دهنده برای اقتصاد ایران طراحی شده بود، به‌عنوان دوره طلایی برنامه‌ریزی ایران یاد می‌کند و با مقایسه این دوران با سال‌های ناموفق پس از آن، ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی جامع را نشان می‌دهد. نظامی که از نظر او علت ناکارآمدی دولت و فاصله‌گرفتن ساختار سیاسی از جامعه علمی کشور است. متن کامل سخنرانی او در ادامه آورده می‌شود.

اولین نکته درباره برنامه‌ریزی در ایران این است که این سابقه ۵۰ساله در برنامه‌ریزی نباید ما را فریب دهد. ما هنوز در مرحله‌ای هستیم که دو، سه‌سال اول توسعه را تداعی می‌کند. بسیاری از مسایل خیلی ساده برنامه‌ریزی ایران هنوز مبهم است؛ ازجمله اینکه در اسناد رسمی از برنامه سوم و چهارم توسعه ایران به‌عنوان برنامه جامع نام برده می‌شود درحالی‌که برنامه‌ریزی ایران از برنامه پنجم وارد برنامه‌ریزی شده است. برای شروع بحث تاریخچه‌ای عرض می‌کنم؛ برنامه‌ریزی اقتصادی اولین بار توسط آدام اسمیت معرفی شده است. او نوعی از برنامه‌ریزی به نام دست نامریی را پیشنهاد می‌کند. اسمیت در آن موقع تصویری می‌سازد که در آن بدون دخالت دولت، رشد اقتصادی و توسعه محقق می‌شود. نتایج عمده‌ای که اسمیت پیش‌بینی کرده، این بود که اگر ما بازار را رها کنیم و دولت در آن دخالت نکند، اولا افزایش تولید اتفاق می‌افتاد و سپس بازار به سمت تخصیص بهینه منابع و افزایش عمده سرمایه و گسترش نوآوری پیش می‌رفت، اتفاقی که به هزینه کمتر، قیمت پایین‌تر و مازاد بیشتر می‌انجامید. این تئوری که ۱۵۰سال در انگلستان مبنای کار بود دو اثر منفی برجای گذاشت: اول اینکه فقر به‌شدت افزایش پیدا کرد و بعد بحران‌های اقتصادی ادواری پیش آمد که باعث به‌هم‌ریختگی بافت سیاسی، اقتصادی و غیره شد. در مقابل این نظام، نظام کمونیستی به وجود آمد که دولت را در جای بخش خصوصی نشاند. این نظام پنج‌اثر عمده داشت: اول اینکه این نظام در طول ۷۰سال تقریبا هیچ نوآوری عمده‌ای نداشت. دوم آنکه دولت در تمام این سال‌ها مسیر سیاستگذاری ثابتی را دنبال کرد؛ این یعنی اینکه خود دولت هم در این سیستم قفل شد. با قوام‌یافتن این نظام، دولت که متولی همه امور شده بود هرگز کنار نرفت تا اینکه کل کشور از هم پاشید. بعد از آن بخش مهمی از منابع محدود کشور، به علت رقابت‌های جهانی صرف بودجه نظامی و فضایی شد. نهایتا آنچه اتفاق افتاد این بود که نقش علم در این کشور ضعیف شد و نهایتا سبب فروپاشی کشور شد. این عواقب نظام برنامه‌ریزی جامع است. در آن سال‌ها بر اثر رقابت با دنیای کمونیسم، نوع جدیدی از برنامه‌ریزی در کشورهای سرمایه‌داری به وجود آمد که تحت عنوان نظام دولت و جامعه رفاه مطرح می‌شود. این نظام بنیان‌های سرمایه‌داری را در خود دارد اما بحث جدیدی به نام حقوق بشر را مطرح کرد. اینکه انسان‌ها فارغ از نوع فعالیت اقتصادی، در جامعه حقوقی دارند. بعد از جنگ جهانی دوم و مطرح‌شدن نظرات کینز، مشاهده شد که کشورهای جهان سوم نمی‌توانند با هیچ‌کدام از این نظریه‌ها موفق شوند، بنابراین نوع دیگری از نظریات توسعه ارایه شد. این برنامه‌ریزی توسعه دو مساله را مطرح می‌کند. این برنامه‌ریزی بیانگر این نکته است که برای قوام بازار باید دو سیاست را دنبال کنیم. اول اینکه باید برای امور کشور سیستم بودجه عادی داشته باشیم اما به دلیل اینکه ما نمی‌توانیم از سیاست‌های بازار آزاد استفاده کنیم، دولت باید یک سری وظایف را به عهده بگیرد تا بتواند کشور را به توسعه برساند.

برای موفق‌شدن برنامه‌ریزی توسعه، هفت‌شرط وجود دارد؛ اول اینکه این فرآیند برنامه‌ریزی باید الگوی مناسبی داشته باشد. شرط دوم شکل ساختار سیاسی است، هر ساختار سیاسی نمی‌تواند از برنامه‌ریزی توسعه حمایت بکند. سوم اینکه باید در نظام بین‌الملل وضعیت آن کشور در قبال باقی کشورها روال مشخص و باثباتی داشته باشد. چهارم، باید به‌لحاظ علمی و تحقیقاتی، مراکز علمی به‌شدت زیاد و کارآمد باشند. پنجم، باید در این کشورها انباشت سرمایه اتفاق افتاده باشد. ششم، سوابق سازمانی و توانایی کشور در این زمینه بالا باشد. هفتم، نیروی انسانی است.

وقتی دولت‌ها با این واقعیت مواجه می‌شوند که نمی‌توان برای همه مسایل برنامه‌ریزی کرد، یک نوع جدیدی از برنامه‌ریزی به نام برنامه‌ریزی کلان را جایگزین می‌کنند؛ یعنی همه مسایل را رها می‌کنند و به ۱۰ تا ۱۵شاخص کلان اقتصادی می‌پردازند. این نوع برنامه‌ریزی باعث می‌شود که سازمان برنامه از فضای علمی سابقه بگیرد

صحبت اصلی من در مورد شرط اول است. اولین بحث، چیستی برنامه توسعه است. در جامعه سنتی، بزرگ‌ترین فرد تکلیف را مشخص می‌کند یا سنت‌ها در جامعه چگونگی انجام هرکاری را نشان می‌دهند. اما در جامعه سنتی فرمانی وجود ندارد تنها فرمان در این زمینه یا تخصص است یا قانون. اگر بخواهید بدانید که یک ساختار تخصصی به چه میزان سنتی یا مدرن است باید در آن به قدرت مدیر نگاه کنید. هر سازمانی که قدرت مدیر در آن بالاتر باشد، سنتی‌تر و ناکارآمدتر است. برنامه‌ریزی چهار مرحله را طی کرده؛ اولین مرحله برنامه‌های متکی بر پروژه‌های منفک است، این برنامه‌ریزی در برنامه‌های اول و دوم کشور ما هم به‌کار رفته، این مدل معمولا مدل موفقی است. بعد از این مرحله دولت‌ها به فکر ارتباط این پروژه‌ها می‌افتند و نوع دیگری از برنامه‌ریزی را مطرح می‌کنند که به برنامه‌ریزی تلفیق‌شده بخش عمومی معروف است. این در برنامه دوم ایران هم از آنجایی که پروژه‌محور است موفق بوده. بعد از این مرحله وارد مرحله سوم می‌شوند که برنامه‌ریزی جامع است؛ مرحله چهارم این است که وقتی در کشورها برنامه چهارم موفق نمی‌شود، دولت‌ها به سمت این می‌روند که به جای اینکه بخواهند در همه سطوح پیشرفت کنند نقاط قوت خودشان را مورد توجه قرار دهند. این برنامه‌ریزی به «هسته‌های خط‌دهنده» معروف است. در ایران در برنامه سوم و چهارم، آقایی به نام ابتهاج وارد فرآیند برنامه‌ریزی ایران می‌شود. او از متخصصان آمریکایی استفاده کرد و آنها را وارد فرآیند برنامه‌ریزی ایران کرد. در آن دوران اتفاقاتی می‌افتد که ما هنوز تحلیل درستی از آنها نداریم. در این نگاه آنها توسعه را به‌صورت یک موزاییک دیدند و برای هر دستگاه وظایفی را مشخص کردند. در این دو برنامه ما تورم‌های یک تا دودرصدی را در کنار رشد اقتصادی بالای ۱۰درصد و حتی ۱۳درصدی تجربه کردیم. در این دوران نام ایران به‌عنوان یک کشور موفق در زمینه اقتصاد در دنیا مطرح شد و حتی از فرانسه متخصصان برای مطالعه علل موفقیت به ایران می‌آمدند. اما متاسفانه ما در این دوران نتوانستیم اصول برنامه‌ریزی را از آمریکایی‌ها یاد بگیریم. در برنامه‌های بعدی اما برخلاف نظر آمریکایی‌ها به سمت برنامه‌ریزی جامع رفتیم و از همین‌جا مشکلاتمان شروع شد. نظام برنامه‌ریزی هسته‌ای چند تکنیک ساده را به‌کار می‌گیرد که اثرات مثبت زیادی دارد: اول اینکه در هر حوزه به سراغ متخصصان آن حوزه می‌رود؛ یعنی سازمان برنامه در آن دوره رابطه‌ای بسیار مستحکم با جامعه علمی کشور برقرار می‌کند. اعتبار علمی سازمان برنامه در این دوره آنقدر بالا می‌رود که افراد متخصص در مقالات برای معرفی خود در کنار مقام علمی، کارشناسی سازمان برنامه را هم متذکر می‌شدند.

نظام برنامه‌ریزی جامع، محسناتی دارد: اول اینکه به همه مسایل توجه می‌کند. دوم اینکه به لحاظ نظری در این نوع برنامه‌ریزی امکان تعادل بین بخش‌ها وجود دارد. سوم اینکه این نظام شاخص‌های نظارتی زیادی را ارایه می‌دهد که رصدکردن همه مسایل کشور را ممکن می‌کند. چهارم اینکه در برنامه‌ریزی جامع به جزییات زیادی توجه می‌شود، اما در کنار این ویژگی‌های مثبت، نکات منفی زیادی هم وجود دارد: اولین بحث این است که برنامه‌ریزی جامع، علمی نیست و ما در عمل یک مثال موفق برای این نوع برنامه‌ریزی نداریم. دوم اینکه تهیه یک برنامه جامع که بتواند به همه بخش‌ها توجه کند نیاز به چنددهه زمان دارد. آرتور لوییس در جمله معروفی می‌گوید: «برنامه‌ای که شما می‌خواهید در پنج‌سال اجرا کنید نیاز به ۲۰سال زمان برای طراحی دارد.» مشکل سوم این است که وقتی دولت‌ها با این واقعیت مواجه می‌شوند که نمی‌توان برای همه مسایل برنامه‌ریزی کرد، یک نوع جدیدی از برنامه‌ریزی به نام برنامه‌ریزی کلان را جایگزین می‌کنند؛ یعنی همه مسایل را رها می‌کنند و به ۱۰ تا ۱۵شاخص کلان اقتصادی می‌پردازند. این نوع برنامه‌ریزی باعث می‌شود که سازمان برنامه از فضای علمی سابقه بگیرد. در تمام این سال‌ها این نوع برنامه‌ریزی در سازمان برنامه ما باعث شده که ما با اینکه تمام کارشناسان را می‌آوریم تا اظهارنظر کنند در آخر در تمامی موارد آنچه به کرسی می‌نشیند نظر سیاستمداران است! در برنامه‌ریزی جامع آنقدر این برنامه در رفت‌وآمد اسیر می‌شود که در آخر کنار گذاشته شده و مسوولان به سمت برنامه‌ریزی کلان می‌روند. این مساله باعث شده که در ساختار سیاسی ما این تصور به وجود بیاید که ظرفیت علمی ما همین است و از آن چیزی حاصل نمی‌شود. برنامه‌ریزی جامع متاسفانه فاقد پروژه‌های اصلی است و متکی بر یکسری سیاست‌هاست، همین باعث می‌شود که به نتیجه نرسد. در آخر نتیجه این می‌شود که در این نوع برنامه‌ریزی هیچ‌کس مواخذه نمی‌شود که چرا برنامه موفق نبوده است. این یعنی پاسخگونبودن نظام اداری و مدیریتی کشور. این اتفاق به این معنی است که در آخر در نظام بودجه کشور، پروژه‌ها نه تخصصی که سیاسی خواهد بود. در این نظام پروژه‌های دولت تبدیل به پروژه‌های رییس‌جمهور خواهد شد. دستگاه‌ها در این وضعیت بی‌هدف می‌شوند. این برنامه‌ریزی نوآوری را حذف می‌کند و نهایتا خودش تبدیل به یک سد می‌شود. در نهایت اتفاقی که می‌افتد این است که برنامه‌ریزی کلان هم اجرا نمی‌شود. یعنی همان شاخص‌های کلان هم بهبود نمی‌یابد. نمونه آن هم تورمی است که نه‌تنها دورقمی بلکه از بالاترین تورم‌های جهانی است.

۲قانونی که آب‌های زیرزمینی را به تاراج برد

شرق: بحران کم‌آبی امروز نتیجه دوتصمیم غلطی است که در سال‌های پیش گرفته و منجر شد ۶۰هزارحلقه چاه غیرمجاز، قانونی شود و ذخایر زیرزمینی را خالی کند. در سال ۱۳۸۳ طرحی برای حمایت از کشاورزان سرمازده و خسارت‌دیده ناشی از خشکسالی تصویب شد که در راستای این طرح تحت عنوان حمایت از کشاورزان بزرگترین ضرر را به جامعه کشاورزی وارد کردند؛ چراکه در قالب این طرح، مقرر شد کشاورزان از ابتدای سال ۱۳۸۴ از دریافت هرگونه حق‌النظاره آب (آب‌بها) معاف شوند. این درحالی است که به گفته مسعود اسدیان، رییس مجمع هماهنگی تشکل‌های کشاورزی کشور، همین قانون باعث شد تا دولت به سبب اینکه دیگر بهایی بابت آب از کشاورزان نمی‌گرفت بر چاه‌ها نظارت نداشته باشد و استفاده از آب زیرزمینی افزایش یابد. از سوی دیگر حق‌النظاره‌ای که آن زمان حدود ۱۷میلیاردریال برآورد می‌شد؛ می‌توانست صرف تجهیز و نگهداری منابع آبی همان مناطق شود؛ که عملا خبری از هیچ حق‌النظاره‌ای برای انجام اصلاحات نبود و اما قانون دوم که ضربات آخر را بر پیکر آب‌های زیرزمینی و در نتیجه کشاورزی زد قانون دیگری بود که مجلسیان هشتم آن را به تصویب رساندند. اسدیان در این‌باره توضیح می‌دهد: قانونی که با نام «تعیین‌تکلیف چاه‌های فاقد پروانه» شناخته می‌شد سبب تاراج آب‌های زیرزمینی کشور شد. براساس این قانون، چاه‌های غیرمجازی که حفر شده بودند باید پر می‌شد اما مجلس هشتم از سوی ۵۷نماینده مجلس تحت‌عنوان تعیین‌تکلیف چاه‌های بدون پروانه در حقیقت آنها را قانونی کرد در حالی که این چاه‌ها به‌صورت غیرمجاز و در دشت‌های ممنوعه حفر شده بود. رییس مجمع هماهنگی تشکل‌های کشاورزی کشور در جمع خبرنگاران گفت: با تصویب این قانون گام‌دوم غارت ثروت ملی آب‌های شیرین کشور، کلید خورد و نمایندگان نیز بدون توجه به تبعات بلندمدت و میان‌مدت این قانون، ایران را با بی‌آبی و بحران آب مواجه کردند. از دیگرسو شاید کشاورزان نیز در آن زمان از تصویب این قانون که آنها را از پرداخت بهای آب چاه‌ها معاف کرده بود، خوشحال بودند و این خطرات را نمی‌دیدند اما مجلسی‌ها و دولتی‌ها باید این مساله را می‌دیدند. تصویب این دوقانون نهایتا سبب شد تا در حالی که استاندارد استفاده از آب زیرزمینی در جهان حداکثر ۴۰درصد است ایران در چنددهه اخیر سالانه ۷۰درصد از منابع آب زیرزمینی را استفاده کند. وی تصریح کرد: جالب‌تر اینکه در قانون تعیین‌تکلیف چاه‌های فاقد پروانه بهره‌وری و در آیین‌نامه اجرایی آن به صراحت آمده است که «دولت در راستای بهسازی سیستم‌های آبیاری و زهکشی آیین‌نامه اجرایی قانون تعیین‌تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌وری را تصویب کرد.» اما باید پرسید مجوزدادن به متخلفان و احداث‌کنندگان چاه‌های غیرمجاز بدون پروانه چگونه باعث بهسازی سیستم‌های آبیاری و زهکشی می‌شود و اصلا این دو چه ارتباطی با یکدیگر دارند. البته به‌نظر می‌رسد این بند در آیین‌نامه اجرایی این قانون برای تطهیر و رهایی از عذاب وجدان مجوزدادن به متخلفان در دشت‌های ممنوعه کشور ذکر شده است.

خبر

شرایط خریدوفروش سهام عدالت اعلام شد

● رییس کل سازمان خصوصی‌سازی گفت: براساس قانون، اقساط سهام عدالت از محل سود آن تسویه می‌شود و اگر تا پایان سال ۹۴ این اقساط پرداخت نشود، باید باقیمانده را مردم پرداخت کنند یا اینکه بخشی از سهام عدالت که پول آن پرداخت شده، آزادسازی شود. پوری‌حسینی صبح دیروز در گفت‌وگو با رادیواقتصاد با اشاره به اینکه همه فعالیت‌ها و کارهای مربوط به سهام عدالت براساس قانون انجام می‌شود و به هیچ‌وجه این طرح یا سهامداران عدالت فراموش نشده‌اند، بلکه به‌موقع و در بستری قانونی کارها پیش می‌رود، گفت: امیدواریم حداقل تا پایان سال آینده تکلیف آزادسازی سهام عدالت و اجازه خریدوفروش آن مشخص می‌شود. رییس کل سازمان خصوصی‌سازی افزود: براساس قانون باید همه اقساط سهام از محل سود آن تسویه شود و اگر تا پایان سال آینده این اقساط پرداخت نشود، باید باقیمانده را مردم پرداخت کنند یا اینکه بخشی از سهام عدالت که پول آن پرداخت شده، آزادسازی شود. پوری‌حسینی گفت: همه سهام ۶۲ شرکت به‌صورت مشاع در میان همه سهامداران عدالت توزیع می‌شود و سهام خوب یا بد نخواهیم داشت و مردم مطمئن باشند که در شرایط برابر از سهام عدالت برخوردار هستند.

وی اضافه کرد: کسانی هم که ممکن است برگه‌های سهام خود را گم کرده باشند، نگران نباشند چون همه اطلاعات مشمولان سهام عدالت را داریم و آنها را سهامدار عدالت می‌شناسیم. رییس کل سازمان خصوصی‌سازی درباره افرادی که جامانده‌اند نیز تصریح کرد: دیگر نمی‌توانیم به گذشته برگردیم، هرچند امیدواریم شاید تا حدودی فاصله صفر تا صد را پرکنیم که باید در دولت تصمیم‌گیری شود و می‌توانیم تا ۴۸میلیون نفر این ظرفیت را تکمیل کنیم.

واریز ۲۰هزارمیلیاردتومان یارانه نقدی در نیمه‌اول سال
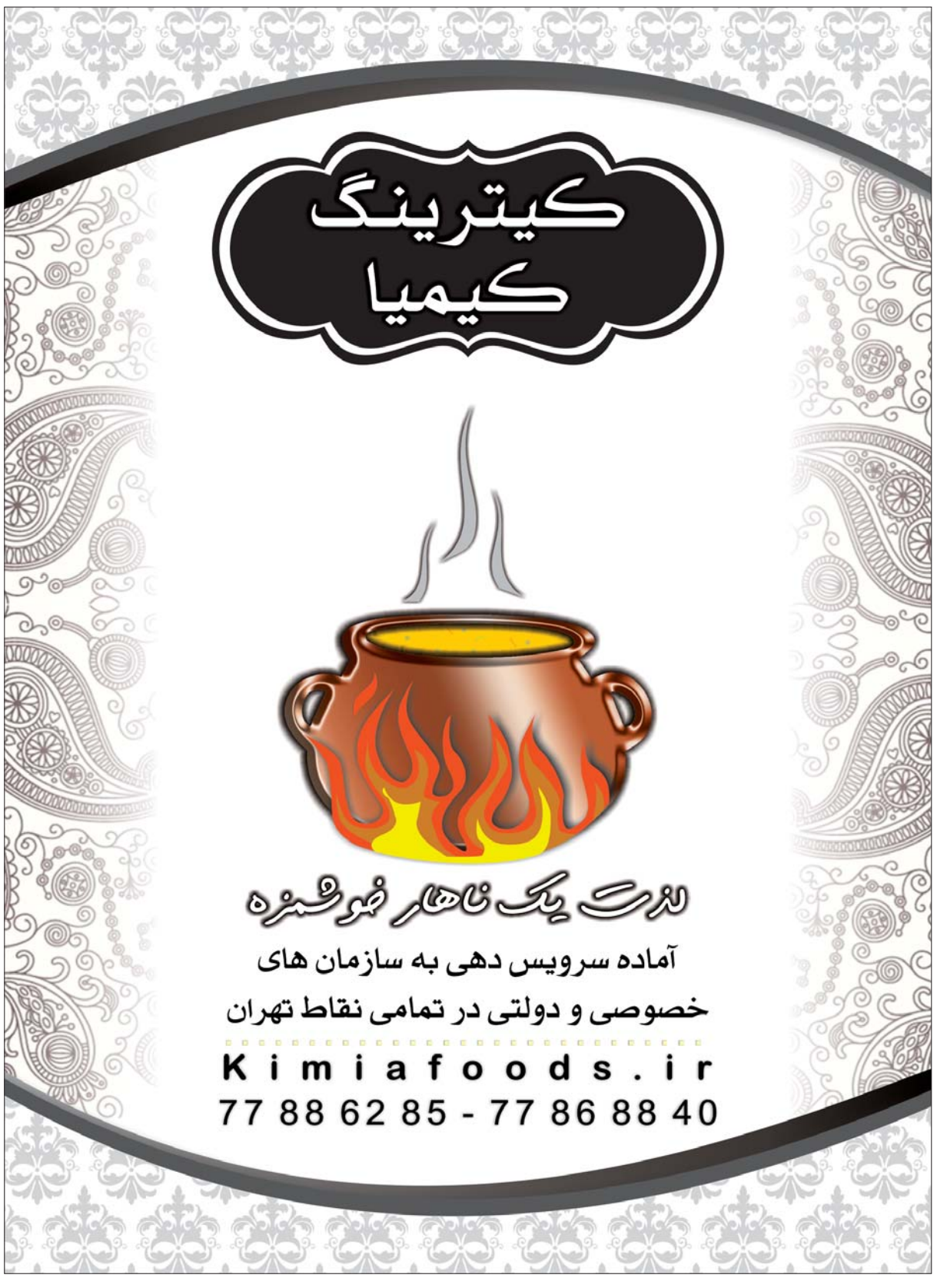
● **ایسنا:** گزارش عملکرد اجرای تبصره (۲۱) قانون بودجه سال در رابطه با هدفمندی یارانه‌ها در نیمه ابتدایی امسال، بیانگر درآمد ۱۵هزارمیلیاردی و پرداخت نقدی ۲۰هزارمیلیاردتومانی، تکرار صفر برای یارانه تولید، پرداخت یارانه‌ای برای بهداشت و درمان، همچنین رقمی برای بیمه درمان و بیمه بیکاری بود.